

بررسی حروف شرط «إن» و «إذا» در قرآن کریم

با رویکرد بلاغی*

(مطالعه موردی سوره زمر)

عیسی متقی زاده**

کوروش فریدون پور (نویسنده مسئول)***

چکیده

جملات شرطی، از مهم ترین جملات قرآن با توجه به معانی والای این کتاب است. بحث جملات شرطی در بلاغت زمانی مطرح می شود که حروف شرط با توجه به یکسان بودن سطحی معنا هر کدام در جایگاه مخصوص خود است. در میان ادات شرط، «إن» و «إذا» جایگاه بالاتری دارند، زیرا «إن» افاده شک در شرط و «إذا» افاده یقین در شرط می کند، اما در قرآن برای اغراض مختلف گاه جابه جا به کار رفته اند. پژوهش حاضر با روش توصیفی، تحلیلی به بررسی حروف «إن» و «إذا» در سوره زمر پرداخته و نتیجه حاصل آن بود که حرف «إن» در سوره زمر به طور کامل از معنای اصلی آن خارج شده و بیشتر و با توجه به سیاق آیات سوره زمر که در باب توحید و معاد و انذار کفار و مشرکان است، با غرض توبیخ و سرزنش به کار رفته است؛ «إذا» نیز با توجه به معنای آیات که برای عموم انسان ها است و درباره توحید و معاد بحث می کند، به صورت کامل در جایگاه اصلی خودش به کار رفته است. همچنین افعال به کار گرفته شده برای «إذا» بیشتر ماضی است که گویا شرط در آینده، در گذشته اتفاق افتاده و برای «إن» غالباً مضارع است تا نشان دهد مطابق با غرض آیات، حدوثی است.

کلید واژه ها: علم بلاغت، حروف شرط، حرف شرط «إن»، حرف شرط «إذا»، سوره

زمر.

* تاریخ دریافت مقاله: ۱۴۰۲/۳/۱ - تاریخ پذیرش مقاله: ۱۴۰۲/۶/۱۹ - سطح مقاله: علمی، ترویجی.

** استاد زبان و ادبیات عربی دانشگاه تربیت مدرس / motaghizadeh@modares. ac. ir

*** کارشناسی ارشد آموزش زبان عربی دانشگاه تربیت مدرس / kwrsh033@gmail. com

مقدمه

قرآن کریم کلام خداوند و معجزه حضرت رسول ﷺ است که برای هدایت مردم از تاریکی به سوی روشنایی نازل شده است. بدون شک این کتاب از والاترین کتاب‌ها در جهان است که از هر جهت بدان نگاه می‌کنیم هیچ‌گونه شکی را در آن مشاهده نمی‌کنیم؛ «ذَٰلِكَ الْكِتَابُ لَا رَيْبَ فِيهِ هُدًى لِّلْمُتَّقِينَ» (بقره: ۲) «این است کتابی که در [حقانیت] آن هیچ تردیدی نیست [و] مایه هدایت تقوایندگان است». خداوند در سوره قمر می‌فرماید: «وَلَقَدْ يَسَّرْنَا الْقُرْآنَ لِلذِّكْرِ فَهَلْ مِنْ مُّذَكِّرٍ». (قمر: ۱۷)

«و قطعاً قرآن را برای پندآموزی آسان کرده‌ایم، پس آیا پندگیرنده‌ای هست»، تا انسان‌ها بتوانند از سرچشمه نور این کتاب آسمانی بهره‌مند شوند و آموزه‌های آن را در زندگی خود اجرا کنند تا به رستگاری دنیوی و اخروی برسند.

برای فهم دقیق معنای قرآن نیازمند علومی هستیم که علما در طول ۱۴۰۰ سال بر گردآوری آن همت گماردند و کتاب‌های ارزشمندی را در این باب به رشته تحریر درآوردند. از مهم‌ترین این علوم که کاربرد بسیاری دارد، علم بلاغت است. علم بلاغت که عبدالقاهر جرجانی آن را پایه‌ریزی کرد، علمی است که وجه زیبایی لفظ را مورد بررسی قرار می‌دهد تا به معنای دقیق یک آیه برسد.

بلاغت کلام فصیحی است که به اقتضای حال و مقام گفته می‌شود. علم بلاغت به سه دسته اصلی تقسیم می‌شود؛ «معانی»، «بیان» و «بدیع».

در «معانی» قواعد کیفیت مطابقت کلام با مقتضای حال سنجیده می‌شود و در «بیان»، بیان یک سخن به صورت‌های مختلف بحث می‌شود و «بدیع» نیز آرایش لفظی و معنوی کلام است. (الجارم و امین، ۱۳۹۲: ۲۴ و ۱۵) جملات شرطی در بلاغت ذیل علم معانی قرار دارند، زیرا شرط در معنا وجود دارد و تقيیدی برای جمله محسوب می‌شود. از مهم‌ترین موارد اسلوب شرط در علم بلاغت، حروف شرط

«إِنْ» و «إِذَا» است، زیرا «إِنْ» در معانی مشکوک شرط و «إِذَا» در معانی اطمینان شرط به کار می‌رود،^۱ اما گاهی برای غرضی این موارد جابه‌جا می‌شود تا هدفی بزرگ را دنبال کند.

سوره زمر از سور مکی در قرآن کریم است که در آن صراحتاً از موضوعات توحید و معاد بحث شده و در آن شروطی نیز برای انسان‌ها گذاشته شده است؛ نظام اصلی این سوره برپایه استدلال و مقایسه بین مؤمنین و مشرکان است و از راه مقایسه دست به اثبات براهین می‌زند (طباطبایی، ۱۳۶۳: ۳۶۹/۱۷)، که هر جا سخن از مقایسه و استدلال به میان می‌آید، اسلوب شرط ظهور پررنگی دارد.

این مقاله با رویکرد توصیفی، تحلیلی سعی در بررسی حروف شرط «إِنْ» و «إِذَا» در سوره زمر و پاسخ به سؤالات زیر را دارد:

۱. چه تعداد از حروف «إِنْ» و «إِذَا» در سوره زمر در باب زیبایی‌شناسی قرار دارد؟
 ۲. زیبایی‌شناسی حروف «إِنْ» و «إِذَا» در سوره زمر چه اغراضی را دنبال می‌کند؟
 ۳. شروط به کار رفته با «إِنْ» و «إِذَا» در سوره زمر در باب چه موضوعاتی است؟
- درباره بررسی شرط و حروف آن در قرآن کریم پژوهش‌های بسیاری انجام شده است؛ مواردی که مطابق با این پژوهش است به شرح زیر است:

۱. مقاله «شرط به «إِنْ» و «إِذَا» در قرآن کریم»، نوشته علی فوده (۱۹۷۵م) این پژوهش وجه اختلاف اصلی «إِنْ» و «إِذَا» را بیان می‌کند و تعداد آن‌ها را در قرآن بررسی می‌کند.

این پژوهش پس از بررسی این حروف به این نتیجه می‌رسد که «إِنْ» شرطی در قرآن بیشتر از «إِذَا» است و همچنین «إِذَا» غالباً در غیر از معنای خود به کار رفته و

۱. شک در شرط به معنای آن است که به واقع شدن شرط در آینده قطع و یقین نداشته باشیم و اطمینان در شرط به معنای یقین وقوع شرط است (ر.ک: حسن عرفان، «ترجمه و شرح جواهر البلاغه»: ۲۹۷-۲۹۶)

نیز «إن» غالباً با ماضی به کار رفته است. این پژوهش به صورت عام تمام قرآن را مورد بررسی قرار داده و بر یک سوره تمرکز نکرده است، زیرا سوره قرآن از نظر محتوا و سیاق با یکدیگر متفاوت هستند.

۲. مقاله «إن و إذا و لَمَّا در سیاقات خیر و شر در قرآن کریم»، نوشته رباب صالح جمال (۱۴۲۶) این پژوهش سه حرف از حروف جازم را فقط در مورد معنای خیر و شر در کل قرآن بررسی کرده و دلایل استعمال هر یک از آن‌ها را با توجه به سیاق خیر و شر توضیح داده است و فقط از زاویه حرف بودن به این ادات نگاه کرده است. پژوهش حاضر با رویکرد بلاغی به حروف «إن» و «إذا»، این دو حرف را در سوره زمر بررسی خواهد کرد و دلایل شرط به این دو حرف را با توجه به سیاق آیات سوره زمر بیان و وجه زیبایی‌شناسی آن را بیان خواهد کرد.

۱. نظام جمله

برای اینکه آنچه در ذهن ما وجود دارد را به مخاطب خود از طریق زبان انتقال دهیم نیازمند آن هستیم که از یک جمله استفاده کنیم. جمله از ریشه جَمَلَ است که در لغت به معنای تجمع، بزرگی و زیبایی است. (ابن فارس، ماده ج م ل)

جمله یا کلام آن است که از دو کلمه یا بیشتر ترکیب شده باشد و دارای معنای مقید و مستقلی باشد پس برای اینکه یک جمله مفید داشته باشیم نیاز داریم که دو مطلب دقیقاً کنار یکدیگر قرار بگیرند؛ ترکیب‌مند بودن و مستقل بودن (حسن، ۱۳۸۰: ۱۵/۱)

صاحب «الخصائص» کلام را نیز جمله می‌داند و می‌گوید: «کلام هر لفظ مستقل به نفسه است که معنای مفیدی دارد و آن همان است که نحوی‌ها آن را جملات می‌دانند» (ابن جنی، ۱۳۹۲: ۱۸/۱)

پس جمله آن قسمت از کلام است که دارای معنای مفید و مستقل باشد و حامل پیامی برای مخاطب از جانب گوینده باشد. هرچند برخی از علما تنها جمله را به اعتبار دلالت آن تقسیم کرده‌اند؛ اینان از طرفداران علم معانی هستند و جملات را طبق دلالت به خبری و انشائی تقسیم کردند (حمصی، ۲۰۰۳م: ۵) طبق این تعریف فرقی میان کلام و جمله وجود ندارد. هر جمله در زبان دارای معنای واحدی می‌باشد. عبدالقاهر جرجانی در این باره می‌گوید:

چنانچه بگویید: «ضَرَبَ زَيْدٌ عَمْرًا يَوْمَ الْجُمُعَةِ ضَرْبًا شَدِيدًا تَأْدِيبًا لَهُ». تمامی مجموع این واژگان فقط یک معنا را در بر دارد و یک مفهوم از آن برداشت می‌شود و آن معنایی واحد است نه تعدادی معانی چنانچه اغلب مردم تصور می‌کنند. (جرجانی، ۱۹۶۱م: ۲۶۸)

پس آن‌گاه که می‌گوییم جمله باید دارای معنا باشد، دلالت ما در این قسمت، معنایی واحد است، هرچند تعدد واژگانی همراه این جمله باشد. هر جمله در زبان عربی از دو عنصر اصلی تشکیل می‌شود؛ مسند و مسندإلیه. رابطه اسنادی در یک جمله مهم‌ترین رابطه درون آن محسوب می‌شود، زیرا اسناد هسته اصلی جمله و محور سایر روابط دیگر است (حمیده، ۱۳۹۴: ۱۷۴) بنابراین کوچک‌ترین جمله نیز در زبان عربی از دو قسمت تشکیل می‌شود تا معنایی مستقل و واحدی را برای مخاطب افاده کند. مسندإلیه آن است که راجع به آن صحبت می‌شود و مسند چیزی است که صحبت می‌کند و هم فعل می‌شود هم اسم. این‌ها دو رکن اساسی در جمله هستند و هرآنچه به این دو رکن اضافه می‌شود فضله یا قید است (سامرائی، ۱۴۳۴: ۱/۱۴)؛ یعنی آنچه باعث بزرگی جمله و دلالت آن می‌شود فضله و قیود است.

۱. ۱. جملات شرطی

جملات در زبان عربی به سه قسمت اسمیه، فعلیه و ظرفیه تقسیم می‌شوند؛ البته زمخشری جمله شرطی را نیز از انواع جمله شمرده و جملات عربی را به چهار قسم تقسیم کرده و فعل شرط را نیز از اقسام شروع جمله دانسته است. (الدسوقی، ۲۰۰۹م: ۳۷۲)

در هر حال از این تعاریف مشخص می‌شود که جمله شرط جزء ارکان موجود در علم نحو است.

حکما شرط را تعلیق حصول مضمون یک جمله به واسطه جمله دیگری می‌دانند و شرط از دیدگاه عالمان نحو ترتیب واقع شدن امری به واسطه حروف ملفوظ است. ادات شرط آن چیزی است که دلالت بر این ترتیب دارد. (بستانی، بی‌تا: ۱/ ماده شرط) جرجانی اشاره کرده است که در واقع معنای شرط مسبب و معنای جزاء مسبب منه است. (جرجانی، ۱۴۰۸: ۱۵۷)

جمله شرطی وجوباً از دو جمله ترکیب می‌شود که فقدان هر کدام باعث بی‌معنا شدن دیگری می‌شود. به بیان دیگر اسلوب شرط، دو جمله اساسی دارد؛ جمله شرط و جمله جواب شرط که جمله شرط در معنای ماضی نیست و انشائی و جامد نیز نیست. (ابن هشام، ۲۰۰۱م: ۱۸۰) یعنی جمله شرط باید در حال یا آینده واقع شود ولو آنکه فعل آن ماضی باشد.

این اسلوب ممکن است در جریان نقد قرار بگیرد بدین مضمون که می‌توان گفت: اگر دیروز آمده بودی پس من می‌رفتم، ولی اصل در شرط و معنای آن این است که در آینده انجام شود تا چهره شرط حفظ شود. شرط دلالت بر استقبال دارد زیرا فعل شرط متعلق به حصول جزاء شرط است که در بطن خود معنای آینده دارد و حصول شرط در استقبال حصول مضمون آن در جزاست (الدسوقی، ۱۴۲۸: ۵۳)، پس اصل شرط در آینده است زیرا شرط بیان می‌شود تا عمل جزاء در آینده اتفاق بیفتد.

جزاء شرط رکن اصلی و بسیار مهم در یک ترکیب شرطی است. استرآبادی در این باره می‌گوید: «الشرط ما يطلب جملتين يلزم من وجود مضمون اولها فرضاً، حصول مضمون الثانية فالمضمون الأول مفروض ملزوم و الثاني لازمه». (سترآبادی، ۱۹۸۲م: ۱۰۸/۲)

یعنی جمله دوم لازم است برای ملزوم جمله اول، پس هدف در جملات شرطی، جمله جزا است زیرا علت اصلی جمله شرط است.

جملات شرطی در علم بلاغت زبان عربی در باب اطلاق و تقييد است، زیرا قاعده در اطلاق و تقييد به علت وجود دلیلی است، یعنی آن‌گاه که خداوند در قرآن انسان را مورد خطاب قرار می‌دهد اگر یک اصلی را در قالب جمله مقید به شرطی کند بدون شک حکمتی پشت آن نهفته است. (زرکشی، ۱۹۹۰م: ۱۴۲)

بنابراین جملات شرطی در علم بلاغت با دیدگاه نحوی‌ها متفاوت است، پس شرط در قرآن آن زمانی است که یک اصل در جمله وجود دارد، اما خداوند متعال به علت حکمی آن را مقید به شرط می‌کند به عنوان مثال در سوره بقره می‌خوانیم: «وَإِذَا لَقُوا الَّذِينَ آمَنُوا قَالُوا آمَنَّا» (بقره: ۱۴)

و چون با کسانی که ایمان آورده اند برخورد کنند، می‌گویند ایمان آوردیم. مضمون اصلی در این آیه آن است که منافقین هرگز نمی‌گویند ایمان آوردیم، پس اصل در ایمان نیاوردن آن‌ها است، اما وجود شرط در این آیه دلالت بر تقييد این اصل دارد. یعنی آن‌گاه که مؤمنان را دیدند، می‌گویند: ایمان آوردیم.

۲. ادات شرط

ادات شرط به‌طور کامل در زبان عربی هجده مورد هستند: «إِنْ»، «لَوْ»، «لَوْما»، «لَوْلَا»، «أَمَّا»، «إِذَا»، «لَمَّا»، «إِذَا»، «أَيَّ»، «حَيْثُ»، «كَيْفَ»، «مَا»، «مَنْ»،

«مهما»، «متی»، «أیان»، «أین» و «أئی». از این تعداد، «إن، لو، لوما، لولا و أما،» حرف شرط و باقی اُسماء شرط به شمار می‌آیند (حسینی طهرانی، ۱۳۹۹: ۳/۱۱۳) تعداد این موارد در کتب نحوی متغیر است اما علت آن این است که هرآنچه معنای شرط بدهد جزء این دسته محسوب می‌شود.

ادات شرط در اصل دو نوع مختلف هستند:

۱. ادات اصلی که فقط رابط بین اجزای شرط است، مانند این سخن خداوند: «إِنَّ يُمْسَسُكَ اللَّهُ بِضُرٍّ فَلَا كَاشِفَ لَهُ إِلَّا هُوَ» (یونس: ۱۰۷)
- «و اگر خدا به توزیانی برساند آن را برطرف‌کننده ای جز او نیست». در این جمله فعل «يُمْسَسُكَ» فقط یک وظیفه دارد و آن جمله شرط واقع شدن است.
۲. ادات منقول که نه تنها وظیفه ربط اجزاء شرط را دارند، بلکه متضمن معنای دیگری نیز هستند. مانند این آیه از قرآن: «مَنْ كَانَ يَرِيدُ حَرْثَ الْآخِرَةِ نَزِدْ لَهُ فِي حَرْثِهِ» (شوری: ۲۰)

«کسی که کشت آخرت بخواهد برای وی در کشته‌اش می‌افزاییم».

در این آیه، فراز «كَانَ يَرِيدُ حَرْثَ الْآخِرَةِ» دو وظیفه دارد یکی صله موصول و دیگری جمله شرط (متقی‌زاده و کبیری، ۱۴۳۵: ۵۲) پس ادات شرط رابط اصلی و رکن اساسی در فهم ساختار شرط است.

موارد بلاغی حروف شرط آن زمانی رخ می‌دهد که ادات شرط تداعی‌کننده آن باشند، مانند دو مورد «أیان» و «متی» در زمان و دو مورد «حینما» و «حیثما» در مکان؛ اما «إن» و «إذا» به علت مزیت‌های زیادی که دارند، از موارد مهم بلاغی به شمار می‌روند و شرح آن‌ها در کتب نحوی نیز موجود است. (دقیق‌العالمی، ۱۳۹۷: ۹۲) پس «إن» و «إذا» از مهم‌ترین موارد بلاغی در بین حروف شرط به حساب می‌آیند ولو اینکه یکی از آن‌ها حرف و دیگری اسم است.

«اِنْ» حرف شرطی برای آینده است و اصل در آن خالی بودن در جزم و وقوع شرط است؛ یعنی آن‌گاه که می‌گوییم: «اِنْ تَكْرَمْنِي اُكْرَمْتَك» متکلم نمی‌داند که اکرام چه زمانی اتفاق می‌افتد یا اصلاً روی می‌دهد یا خیر؛ پس اگر این حرف در مقام جزم شرط استعمال شود اغراض دیگری پشت آن نهفته است. (سکاکی، ۱۹۸۲م: ۲۴)

با این اوصاف دو معنای اصلی در حرف «اِنْ» برداشت می‌شود؛ دلالت بر آینده، عدم جزم شرط. عدم جزم بدین معنا است که ما احتمال وقوع شرط را داشته باشیم و از جزم شرط مطمئن نباشیم پس استعمال «اِنْ» در مواقع محتمل الوقوع و هنگامی است که شک در حصول شرط داشته باشیم و بدانیم که این حرف هرگز در مقام شرطی که به صورت یقین است واقع نمی‌شود. (سامرانی، ۱۴۳۴: ۶۱/۴-۶۰)

در مکتب ادبی ابن هشام حقیقت جمله شرطی آن است که جمله تامه را به جمله ناقصه تبدیل می‌کند و «اِنْ» رابط بین آن‌ها محسوب می‌شود. (جمالی، ۱۳۹۶: ۵/۹۸) وقتی می‌گوییم: «جَنَّتَنِي اُكْرَمْتَك»؛ معنای آن تامه است، نزد من آمدی تو را گرامی داشتم. اما زمانس که می‌گوییم: «اِنْ جَنَّتَنِي اُكْرَمْتَك»؛ معنای تامه از آن گرفته شد و نقصی را در آن به وجود آورد؛ اگر نزد من می‌آمدی تو را گرامی می‌داشتم. یکی از مواردی که بر عدم جزم «اِنْ» دلالت دارد و به قرینه آن «اِنْ» را محتمل الوقوع می‌دانند این آیه از قرآن است: «وَ اِنْ لَمْ تَفْعَلُوا وَ لَنْ تَفْعَلُوا» (بقره: ۲۴) با قرینه قسمت پایانی این آیه متوجه می‌شویم که شرط در قسمت ابتدایی آن هرگز اتفاق نمی‌افتد و «اِنْ» همیشه بر عدم جزم شرط دلالت دارد (ایجی، ۱۹۹۰م: ۶۴)، پس «اِنْ» هرگز برای شرط قطعی الوقوع نمی‌آید.

«اِذَا» زمانی استعمال می‌شود که متکلم یقین بر وقوع شرط در مستقبل را داشته باشد و به همین دلیل است که «اِذَا» فقط در شروط کثیرالوقوع می‌آید و اکثر اوقات

همراه با فعل ماضی استعمال می‌شود تا بر حصول قطعی شرط دلالت کند. (هاشمی، ۱۳۹۲: ۱۴۴)

مؤلف «المقتضب» می‌گوید: در «إذا» معنای مبهمی وجود ندارد و هر چیزی در آن معلوم است، به طور مثال آن‌گاه که می‌گویی: «إن تأتینی أكرمک»، تو نمی‌دانی که این آمدن صورت پذیرفته یا خیر، اما آن‌گاه که می‌گویی: «إذا تأتینی أكرمک»، می‌دانی که قطعاً این آمدن صورت خواهد داد. (مبرد، ۱۳۸۶: ۵۶-۵۵) در «إذا» دو معنا نهفته است؛ قطعی الوقوع و کثیر الوقوع بودن.

محقق رضی غیر از معنای شرطی، معانی دیگر را نیز برای «إذا» قائل است، اما قول صحیح آن است که بدانیم اگر «إذا» دلالت بر هر معنایی کند، متضمن معنای ظرفیه است. (جمالی، ۱۳۹۶: ۴/۱۶۵) یعنی معنای ظرفیت یک صفت دائمی در «إذا» می‌باشد.

فرق اساسی بین «إن» و «إذا» آن است که «إن» شک در شرط دارد و «إذا» اطمینان در شرط. (غلابینی، ۲۰۱۶م: ۲۹۶)

سیوطی فرق بین «إن» و «إذا» را با دو آیه متوالی قرآن بیان می‌کند و در الإیتقان می‌نویسد: «إذا» بر یقین و شروط کثیر الوقوع دلالت دارد، به خلاف «إن» که در شک و موهومات و نوادر به کار می‌رود. به عنوان مثال: «إذا قُمْتُمْ إِلَى الصَّلَاةِ... وَ إِنْ كُنْتُمْ جُنُبًا» (مانده: ۶)

«چون به [عزم] نماز برخیزید... اگر جنب بودید». آنگاه که شرط برای نماز است از «إذا» استفاده شده چون کثرت و استمرار همراه آن است و آن‌گاه که برای جنابت استفاده شده با «إن» است، زیرا این فعل حدوثی و وقوع آن به ندرت است. (سیوطی، ۱۹۵۱م: ۱/۱۴۹) بنابراین تفاوت دیگر بین «إن» و «إذا» در کثرت و قلت است.

۲.۲. زیبایی‌شناسی «إن» و «إِذَا»

وجه بلاغی «إن» و «إِذَا» آنجایی خود را نشان می‌دهد که «إن» در جایگاه «إِذَا» و «إِذَا» در جایگاه «إن» استعمال شود؛ یعنی آنجا که ما شک و عدم یقین در شرط داریم از «إِذَا» استفاده کنیم و آنجا که اطمینان از وقوع شرط داریم از «إن» استفاده کنیم. «إن» در چهار مورد در جایگاه «إِذَا» (جزم در شرط) به کار می‌رود:

۱. تجاهل: بدان معنا که ما اطمینان به شرط داریم و از روی جاهل‌نمایی و غالباً با غرض ترس، «إن» را در شرط به کار می‌بریم.

۲. عدم جزم مخاطب: آن زمانی است که ما جزم به شرط داریم، اما مخاطب این جزم را ندارد برای همین سخن را به شیوه تفکر او به کار می‌بریم.

۳. تنزیل مخاطب: هنگامی که مخاطب آگاه را چون مخاطب ناآگاه در نظر بگیریم تا سخن قدرت بیشتری پیدا کند.

۴. توییح: «إن» را در مقام جزم شرط به کار ببریم تا مخاطب را به جهت شرط نکوهش کنیم. (تفتازانی، ۱۳۹۵: ۵۲/۲-۵۱)

البته مورد دیگری در کتب بلاغی به آن‌ها اشاره شده و آن غلبه غیر متصف به شرط بر متصف به شرط است. (دقیق عاملی، ۱۳۹۷: ۹۴) به عنوان مثال اگر بدانیم قیام گروهی قطعی و قیام گروهی مشکوک است، سخن را با «إن» به کار می‌بریم و گروه دوم را غلبه می‌دهیم تا ثابت کنیم اصل بر یقین است.

در مواردی «إِذَا» در جایگاه «إن» به کار می‌رود که همانند «إن» است، اما مهم‌ترین آن‌ها دو مورد است:

۱. آن است که نشان دهیم شک در این شرط جائز نیست، مانند آنکه بگوییم: إِذَا سَاعَدَ اللَّهُ نَجَحْنَا. ما در مورد مساعدت خداوند در این جایگاه اطمینان نداریم، لیکن باید بدانیم که شک در پیروزی هنگام مساعدت خداوند وجود ندارد.

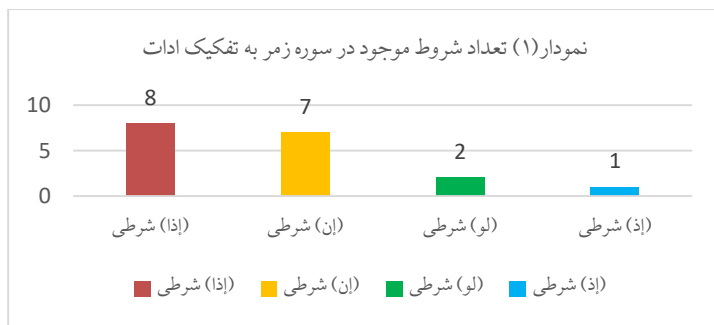
۲. جایی که متصف به شرط را بر غیر متصف به آن غلبه دهیم تا ثابت کنیم اصل با یقین است. (هاشمی، ۱۳۹۴: ۱/۳۰۰)

۳. سوره زمر

سوره زمر سوره مکی و در جزء ۲۳ و ۲۴ قرآن کریم است. این سوره در مورد شأن قرآن و نیز در مورد ابطال دروغ‌های و توبیخ شرک مشرکین سخن به میان آورده است. غرض اصلی سوره آوردن استدلال در رد نظر مشرکان است، و در آخر نیز در مورد قلع و قمع مشرکان به علت استدلال‌ها و اسراف آن‌ها و ثبوت مؤمنان به علت تقوایشان سخن گفته است. (ابن عاشور، ۱۹۸۴م: ۲/۳۱۳-۳۱۲) پس هدف اصلی این سوره دعوت به توحید و یادآوری روز قیامت است که در قالب ترغیب به تقوا و بشارت مؤمنان و انذار و عاقبت کافران است.

۴. بررسی و تحلیل آیات سوره زمر

در سوره زمر، هجده جمله شرطی وجود دارد که طبق پژوهش حاضر (نمودار ذیل) پانزده عدد از شروط این سوره با ادات «إن» و «إذا» آمده است. با توجه به سیاق انذار و بشارت سوره زمر و دعوت به تقوا و دوری از شرک و کفر نشان می‌دهد که این شروط همگی جزء شروط اصلی هستند، زیرا ادات دیگر شرط بر معانی مختلف دیگر دلالت دارند، اما «إن» و «إذا» جزء اداتی هستند که وضعاً متضمن معنای شرط هستند.



۴. ۱. تحلیل حرف شرط «إِنْ»

۴. ۱. ۱. تحلیل و بررسی آیه هفتم

«إِنْ تَكْفُرُوا فَإِنَّ اللَّهَ غَنِيٌّ عَنْكُمْ وَلَا يَرْضَىٰ لِعِبَادِهِ الْكُفْرَ وَإِنْ تَشْكُرُوا يَرْضَهُ لَكُمْ...» (زمر: ۷)

«اگر کفر ورزید خدا از شما سخت بی‌نیاز است و برای بندگانش کفران را خوش نمی‌دارد و اگر سپاس دارید آن را برای شما می‌پسندد».

در این آیه شرط همراه با «إِنْ» بیان شده است. دو شرط موجود در این آیه هر دو جزم بر شرط را دارد؛ در شرط اول می‌فرماید: اگر کافر شوید پس خداوند از شما بی‌نیاز است و در شرط دوم می‌فرماید اگر شکرگزاری کنید خداوند آنرا می‌بیند. جمله شرطی «إِنْ تَكْفُرُوا» پایه اصلی روی برگردانی کفار از یگانگی خداوند است که با انذار و تهدید کافران همراه است (ابن عاشور، ۱۹۸۴م: ۲۳/۳۳۷) به یقین بی‌نیازی خداوند هنگام کفر و بیننده بودن وی هنگام شکرگزاری قطعی است اما هر دو این شرط‌ها با «إِنْ» استعمال شده است.

شرط اول در این آیه برای توبیخ است، یعنی خداوند در مقام متکلم می‌داند که شرطش حتمی الوقوع است، حال برای سرزنش و توبیخ مخاطب شرط را به منزله شک می‌آورد تا این معنا را اراده کند که شک کفار نسبت به نیازمند بودن خداوند بی‌پایه و اساس است و کفر نسبت به خداوند هیچ اثری ندارد.

شرط دوم نیز با این حال که قطعی الوقوع است اما با «إن» آمده، برای اینکه مخاطب عدم جزم نسبت به شرط دارد، یعنی مخاطب شک دارد که هنگام شکر خداوند او را می‌بیند؛ برای همین شرط با توجه به آگاهی مخاطب آمده تا بگوید جزم حتمی است. خداوند متعال خود پاداش و اجر شاکران را ضمانت می‌کند و در آیات متعدد قرآن از این امر مهم سخن می‌گوید (شرباصی، ۱۳۹۴: ۱/ ۱۸۸) دو شرط موجود در این آیه هردو از معنای اصلی خود خارج شده و اهداف بلاغی را دنبال می‌کند.

۴. ۱. ۲. تحلیل و بررسی آیه سیزدهم

«قُلْ إِنِّي أَخَافُ إِنْ عَصَيْتُ رَبِّي عَذَابَ يَوْمٍ عَظِيمٍ». (زمر: ۱۳)

«بگو من اگر به پروردگارم عصیان ورزم از عذاب روزی هولناک می‌ترسم».

این آیه شرطی برای نافرمانی از خداوند را گذاشته است که جواب شرط آن محذوف است؛ و می‌فرماید: اگر عصیان و سرکشی کنم پس ترسانم از عذاب پروردگارم. جواب شرط به علت دلالت بر قبل همین آیه محذوف است. (درویش، ۱۳۹۳: ۶/ ۴۹۹)

این آیه از قول پیامبر ﷺ است؛ پیامبر ﷺ خود نیز از خداوند می‌ترسد و امان‌نامه‌ای از سوی خداوند ندارد، بلکه این خداوند است که بر تمامی بندگانش حجت دارد. (مغنیه، ۱۳۹۷: ۶/ ۶۵۳) پس در نتیجه جزم شرط در این آیه قطعی الوقوع است، اما آن حضرت در قالب شک و تردید بیان کردند تا معنای تجاهل را برسانند و معنای این آیه آن است که اوج بیم داشتن از خداوند را بیان کند.

اگر این آیه با «إذا» آورده می‌شد هرگز قدرت و استواری «إن» را نداشت، زیرا مقام خداوند بسی رفیع است، ولی با وجود این، گویی که پیامبر ﷺ بی‌نهایت از این مقام بیم دارد و با به کار بردن «إن» معنای تجاهل را می‌گوید تا اوج این بیم را نشان

دهد. خود نیز در حدیثی می‌فرماید: «رَأْسُ الْحِكْمَةِ مَخَافَةُ اللَّهِ». (نهج الفصاحه، ۱۳۹۲: ۲۷۷) موضع حضرت پیامبر ﷺ در این آیه عبودیت کامل نسب به حق تعالی است، یعنی او به عنوان پایه‌گذار اسلام به عنوان عبدی در برابر خداوند اذعان می‌کند که عصیان از تمامی گناهان بدتر است و عذابی را در پی دارد که پیامبر ﷺ نیز از آن ترسان است. (سید قطب، ۱۹۷۲م: ۵/ ۳۰۴۴) یعنی شرط با معنای تجاهل این پیام را به دنبال دارد که عصیان مساوی با عذاب روز جزاء.

۴. ۱. ۳. تحلیل و بررسی آیات ۳۸ و ۳۹

«وَلَيْنَ سَأَلْتَهُمْ مَنْ خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ لَيَقُولُنَّ اللَّهُ قُلْ أَفَرَأَيْتُمْ مَا تَدْعُونَ مَنْ دُونِ اللَّهِ إِنْ أَرَادَنِيَ اللَّهُ بِضُرٍّ هَلْ هُنَّ كَاشِفَاتُ ضُرِّهِ أَوْ أَرَادَنِي بِرَحْمَةٍ هَلْ هُنَّ مُمْسِكَاتُ رَحْمَتِهِ...». (زمر: ۳۸-۳۹)

«و اگر از آن‌ها بپرسی چه کسی آسمانها و زمین را خلق کرده قطعاً خواهند گفت خدا بگو [هان] چه تصور می‌کنید اگر خدا بخواهد صدمه ای به من برساند آیا آنچه را به جای خدا می‌خوانید می‌توانند صدمه او را برطرف کنند یا اگر او رحمتی برای من اراده کند آیا آن‌ها می‌توانند رحمتش را بازدارند...».

در این آیه سه شرط وجود دارد که جواب آن‌ها به دلایل مختلف حذف شده است. در شرط اول می‌فرماید: اگر از مشرکان بپرسی چه کسی زمین و آسمان‌ها را آفریده بدون شک می‌گویند خداوند آن‌ها را آفریده؛ پس قطعاً مشرکان آفرینش توسط خداوند را قبول داشتند چرا که عقل انسان نمی‌تواند بپذیرد که بت بتواند زمین و آسمان خلق کند. (رضایی، ۱۳۹۱: ۸/ ۲۷۷) پس شرط در این آیه قطعی است. همچنین علت آوردن این ترکیب در قالب شرط آن است که مردم جاهلی خطاب به حضرت پیامبر ﷺ گفته بودند: مراقب باش تا از جانب خدایان ما گزندى به تو

نرسد. (زمخشری، ۱۳۹۱: ۱۶۶) پس در نتیجه قالب در شرط آمده تا بر یقین خلقت خداوند تأکید کند.

متکلم در این شرط خداوند و مخاطب حضرت پیامبر ﷺ است و این نشان می‌دهد که جزم در شرط قطعی است، اما به علت نکوهش شرک مشرکان با حرف شرط «إن» آورده شده تا شرک آنان را سرزنش کند که گویی شک دارند درحالی‌که خود مشرکین نیز بر خلقت خداوند یقین دارند.

در دو شرط بعد، پیامبر ﷺ در مقام متکلم و مخاطب مشرکان هستند و می‌فرماید: اگر زبانی به من رسد یا رحمتی برسد، بت‌های شما هرگز نمی‌توانند کاری کنند. یعنی پیامبر بر ناتوانی بت‌ها یقین دارد، اما به جهت نکوهش و سرزنش ناتوانی بت‌ها سخن را به گونه شک آورده تا در قالب سرزنش باشد.

۴.۱.۴. تحلیل و بررسی آیه ۶۵

«وَلَقَدْ أُوحِيَ إِلَيْكَ وَإِلَى الَّذِينَ مِنْ قَبْلِكَ لَئِنْ أَشْرَكَتَ لَيَحْبَطَنَّ عَمَلُكَ وَلَتَكُونَنَّ مِنَ الْخَاسِرِينَ». (زمر: ۶۵)

«و قطعاً به تو و به کسانی که پیش از تو بودند وحی شده است اگر شرک ورزی حتماً کردارت تباه و مسلماً از زیانکاران خواهی شد».

خداوند در این آیه از تباه شدن اعمال هنگام شرک سخن می‌گوید و شخص پیامبر ﷺ را مورد خطاب قرار می‌دهد؛ اگرچه شخص پیامبر مخاطب است، اما منظور همه مردم نیز می‌باشد، یعنی حتی اگر پیامبر هم بعد از توحید شرک بورزد اعمالش تباه می‌شود و این مطلب را به آنان که پیش از تو بودند نیز فرمودیم و این گونه از جملات فرضی هستند برای بزرگداشت بدی شرک زیرا خداوند یقین دارد پیامبر او شرک نمی‌ورزد (زمخشری، ۱۳۹۱: ۱۸۱) پس قالب این شرط نوعی هشدار قوی به مشرکین است.

این شرط که مستقیم از قول خداوند است قطعی الوقوع است، زیرا به یقین شرک، اعمال انسان را تباه می‌کند، اما خداوند به جهت غلبه غیر متصف بر متصف به شرط آن را همراه با «إن» آورده است. بدین معنا که قطعاً پیامبر شرک نمی‌ورزد، اما خداوند این شرط را به گونه‌ای آورده که از بزرگی زیان شرک بگوید که حتی این مسئله شامل حال پیامبر ﷺ هم می‌شود، چرا که در آخر آیه می‌فرماید: «اگر چنین شود تو نیز از زیانکاران خواهی شد».

۲.۴. تحلیل حرف شرط «إذا»

۲.۴.۱. تحلیل و بررسی آیه هشتم

«وَإِذَا مَسَّ الْإِنْسَانَ ضُرٌّ دَعَا رَبَّهُ مُنِيبًا إِلَيْهِ ثُمَّ إِذَا خَوَّلَهُ نِعْمَةً مِنْهُ نَسِيَ مَا كَانَ يَدْعُو إِلَيْهِ مِنْ قَبْلُ...» (زمر: ۸)

«و چون به انسان آسیبی رسد پروردگارش را در حالی که به سوی او بازگشت کننده است می‌خواند سپس چون او را از جانب خود نعمتی عطا کند آن [مصیبتی] را که در رفع آن پیشتر به درگاه او دعا می‌کرد فراموش می‌نماید».

در این آیه هر دو شرط موجود با «إذا» آمده است: هرگاه ضرر به انسان رسد پس پروردگارش را می‌خواند و هرگاه نعمتی دهد پس آن را فراموش می‌کند.

در سوره اسراء می‌فرماید: «وَإِذَا مَسَّكُمُ الضُّرُّ فِي الْبَحْرِ ضَلَّ مَنْ تَدْعُونَ إِلَّا إِيَّاهُ فَلَمَّا نَجَّاهُمْ إِلَى الْبَرِّ أَعْرَضْتُمْ وَكَانَ الْإِنْسَانُ كَفُورًا» (اسراء: ۶۷)

«و چون در دریا به شما صدمه‌ای برسد، هر که را جز او می‌خوانید ناپدید [و فراموش] می‌گردد و چون [خدا] شما را به سوی خشکی رهانید رویگردان می‌شوید و انسان همواره ناسپاس است».

یعنی قطعاً انسان فراموشکار است و فقط هنگام سختی پرودگار خود را فرا می‌خواند؛ یعنی آن‌گاه که انسان متضرر می‌شود و دست به جایی ندارد از نظر فطری به

سوی پروردگارش می‌رود، زیرا خوب می‌داند کسی جز او نجات‌دهنده نیست به هنگام نعمت هرچه را از جانب پروردگار بود فراموش می‌کند. (سیدقطب، ۱۹۷۲م: ۳۰۴۱)

پس شرط اول در این آیه دقیقاً با کاربرد «إذا» در شرط موافق است زیرا «إذا» جزم در شرط دارد.

در شرط دوم نیز فراموشی انسان مطرح شده و این شرط نیز حتمی الوقوع است، زیرا انسان خود بر فراموشکاری خود واقف است؛ «رَبَّنَا لَا تُؤَاخِذْنَا إِن نَّسِينَا». (بقره: ۲۸۶)

«پروردگارا اگر فراموش کردیم یا به خطا رفتیم»؛ پس در نتیجه هر دو شرط موجود در این آیه مطابق با هدف اصلی حروف آن است.

۴.۲.۲. تحلیل و بررسی آیه ۴۵

«وَإِذَا ذُكِّرَ اللَّهُ وَحْدَهُ اشْمَأَزَّتْ قُلُوبُ الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ بِالْآخِرَةِ وَإِذَا ذُكِّرَ الَّذِينَ مِنْ دُونِهِ إِذَا هُمْ يَسْتَبْشِرُونَ». (زمر: ۴۵)

«و چون خدا به تنهایی یاد شود، دل‌های کسانی که به آخرت ایمان ندارند منزجر می‌گردد و چون کسانی غیر از او یاد شوند بناگاه آنان شادمانی می‌کنند».

در این آیه دو جمله شرط با «إذا» آمده است که هر دو جزم در شرط را دارند. در جمله اول می‌فرماید: «هرگاه به یگانگی، خدا یاد شود دل آن‌ها که به آخرت ایمان ندارد متنفر می‌گردد» و در جمله دوم می‌فرماید: «هرگاه غیر او یاد شود به ناگاه شادمان می‌شوند».

در این آیه جزم در شرط قطعی است؛ زیرا جان آن‌ها که به خدایان و بت‌های گوناگون ایمان دارند هنگام شنیدن وحدانیت خداوند دچار حساسیت می‌شوند و

تفر پیدا می‌کنند و در شرط دوم می‌فرماید آن‌گاه که بت‌های خودشان را به یگانگی می‌خوانند شادی در چهره‌هاشان پدید می‌آید. (ابن عاشور، ۱۹۸۴م: ۲۴/۲۹)

«إِذَا» در هر دو شرط این آیه در جایگاه اصلی خودش قرار گرفته و عزم در جزم شرط دارد چرا که این شرط قطعی الوقوع است. از سوی دیگر کافران و مشرکان چون ذات اقدس الهی را نمی‌دیدند و بت‌های خود را که از اجناس مختلف بود می‌دیدند، لذا در گمراهی قرار داشتند و فطرتاً منحرف و تاریک فکر بودند. (سید قطب، ۱۹۷۲م: ۵/۳۰۵۵) لذا شرط این آیه تأییدی بر گمراهی ابدی آنان و نیز شادی غیرواقعی آنان هنگام شنیدن توحید است.

۴. ۲. ۳. تحلیل و بررسی آیه ۴۹

«فَإِذَا مَسَّ الْإِنْسَانَ ضُرٌّ دَعَانَا ثُمَّ إِذَا خَوَّلْنَاهُ نِعْمَةً مِنَّا قَالَ إِنَّمَا أُوتِيتُهُ عَلَىٰ عِلْمٍ بَلْ هِيَ فِتْنَةٌ وَلَكِنَّ أَكْثَرَهُمْ لَا يَعْلَمُونَ». (زمر: ۴۹)

«و چون انسان را آسیبی رسد ما را فرا می‌خواند، سپس چون نعمتی از جانب خود به او عطا کنیم می‌گوید تنها آن را به دانش خود یافته‌ام نه چنان است، بلکه آن آزمایشی است ولی بیشترشان نمی‌دانند».

این آیه نیز مانند آیه ۱۳ این سوره درباره ناسپاسی انسان سخن می‌گوید و شرط آن نیز با «إِذَا» بیان شده تا یقین را برساند.

«وَسِيقَ الَّذِينَ كَفَرُوا إِلَىٰ جَهَنَّمَ زُمَرًا حَتَّىٰ «إِذَا» جَاءُوهَا فَتُحْتِ أَبْوَابُهَا...». (زمر: ۷۱)

«و کسانی که کافر شده‌اند گروه‌گروه به سوی جهنم رانده شوند تا چون بدان رسند درهای آن [به رویشان] گشوده گردد...».

«وَسِيقَ الَّذِينَ اتَّقَوْا رَبَّهُمْ إِلَىٰ الْجَنَّةِ زُمَرًا حَتَّىٰ «إِذَا» جَاءُوهَا وَفُتِحَتْ أَبْوَابُهَا...». (زمر: ۷۳)

«و کسانی که از پروردگارشان پروا داشته‌اند گروه‌گروه به سوی بهشت سوق داده شوند تا چون بدان رسند و درهای آن [به رویشان] گشوده گردد...».

این دو آیه هر دو شرح حال کافران و پرهیزکاران را در آخرت بیان می‌کند و شروط موجود در این آیات همراه با «إذا» آمده است. باز شدن درهای جهنم هنگام ورود کفار به آنجا حتمی است.

در این فراز می‌توان دریافت که اولاً کافران در قیامت به سوی جهنم رانده شده‌اند و راهی جز حرکت در این مسیر ندارند و ثانیاً حرکت جمعی است نه فردی. (بروجردی، ۱۳۹۷: ۸/ ۲۶)

پس شرط در این آیه قطعاً اتفاق خواهد افتاد و مطابق با کارکرد «إذا» است. از سوی دیگر «إذا» در این آیه به معنای «لَمَّا» برای توقع است، یعنی بلافاصله بعد از رسیدن هر دو گروه، درها گشاده می‌شود. به تعبیری می‌توان این‌طور گفت: «هنوز نیامده، درها گشوده می‌شود». (ابن عاشور، ۱۹۸۴م: ۷۴ / ۲۴) یعنی این شرط به طور قطع اتفاق خواهد افتاد.

در آیه بعد نیز مانند همان آیه باز شدن درهای بهشت هنگام ورود پرهیزکاران قطعی است و این شرط نیز مطابق با هدف اصلی «إذا» آورده شده است، با این تفاوت که جواب «إذا» محذوف است تا قدرت شرط و قطعی الوقوع بودن آن را بیان کند که قطعاً اتفاق خواهد افتاد. (عمادی، ۱۹۲۸م: ۸ / ۲۶۴) همچنین واو در آیه دوم دال بر حذف جواب شرط دارد یعنی کافران رانده شده و سریع درهای جهنم به روی آنها باز می‌شود، مانند در زندان برای بردن زندانی و اما متقین و اهل بهشت می‌آیند و درها با آرامش و زیبایی باز می‌شود. (ابن‌نسی، ۱۹۸۴م: ۱۶ / ۵۶۸ و ۵۶۵) در نتیجه خداوند در این آیه شرط را با «إذا» آورده تا بر ورود هرگروه در جایگاه مناسبشان تأکید کند.

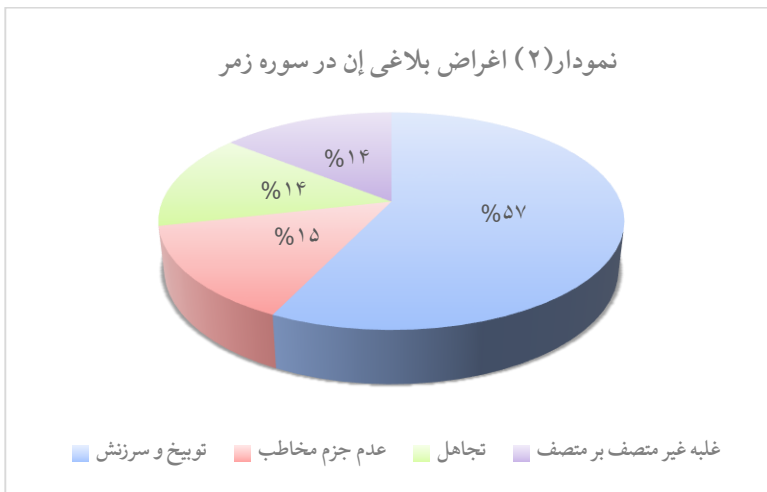
۴.۳. تطبیق حروف «إِنْ» و «إِذَا» در سوره زمر

همان طور که در جدول (۱) نشان داده است، تمامی حروف شرط «إِنْ» در سوره زمر از معنای اصلی خود خارج شده و اهداف مختلف بلاغی را دنبال می‌کنند. از این جدول مشخص می‌شود که تمامی شروط «إِنْ» در سوره زمر عزم در جزم شرط را دارد و برای اهداف مختلف از معنای اصلی خود خارج شده‌اند. همچنین این نکته نیز حائز اهمیت است که شروطی که خداوند در سوره زمر به آن‌ها با حرف «إِنْ» اشاره کرده بیشتر در جهت توییح و سرزنش است. این نشان دهنده آن است که زبان قرآن هنگام صحبت با کافران و مشرکان تغییر کرده و بار بلاغی آن‌ها بیشتر است تا نفوذ آیات بر جان‌ها قوی‌تر باشد.

جدول (۱) شروط «إِنْ» در سوره زمر به تفکیک اجزاء جمله و اغراض بلاغی

آیه	ح. شرط	جمله شرط	جواب شرط	غرض بلاغی
۷	إِنْ	تَكْفُرُوا	فَإِنَّ اللَّهَ غَنَىٰ عَنْكُمْ	توییح، سرزنش، نکوهش
۷	إِنْ	تَشْكُرُوا	يُرِضَهُ لَكُمْ	عدم جزم مخاطب
۱۳	إِنْ	عَصَيْتُمْ	حذف (به قرینه قبل) ترسان خواهم بود	تجاهل
۳۸	إِنْ	سَأَلْتَهُمْ مَنْ خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ	لَيَقُولَنَّ اللَّهُ	توییح، سرزنش، نکوهش
۳۸	إِنْ	أَرَادَنِيَ اللَّهُ بِبُصْرٍ	حذف به قرینه	توییح، سرزنش، نکوهش
۳۸	إِنْ	أَرَادَنِي بِرَحْمَةٍ	حذف به قرینه	توییح، سرزنش، نکوهش
۶۵	إِنْ	أَشْرَكَتْ	لَيَحْبِطَنَّ عَمَلُكَ	غلبه غیر متصف بر متصف

همان طور که در نمودار (۲) مشخص است، مهم‌ترین هدف برای زیبایی‌شناسی «إن» در سوره زمر توییخ و سرزنش است. سوره زمر همان طور که گذشت در باب توحید و معاد بحث می‌کند و در تمامی آیات، همراه با شرط «إن»، حالات کافران و مشرکان را بیان می‌کند و از این نمودار مشخص می‌شود که اگر خداوند مستقیم و با اطمینان شرط را بیان می‌کرد هرگز چنین استواری نداشت، چرا که غرض، توییخ و سرزنش کافران و مشرکان است؛ به عنوان نمونه در آیه هفتم می‌فرماید: «اگر کفر بورزید پس خداوند از شما بی‌نیاز است». اگر این آیه همراه با «إذا» و مطابق با غرض شرط می‌آمد معنای سرزنش از آن مشخص نمی‌شد، زیرا ما اطمینان داریم که در صورت کفر بازهم خداوند بی‌نیاز است؛ اما این آیه همراه با «إن» بیان شده تا مشخص کند این شک شما در بی‌نیازی خداوند هنگام کفر، شکی بس باطل و بی‌مورد است.



جدول شماره (۲) تعداد و اهداف حروف شرط «إذا» را در سوره زمر نشان می‌دهد؛ همان طور که مشاهده می‌شود استعمال حرف شرط «إذا» در سوره زمر دقیقاً مطابق با هدف اصلی این حرف یعنی عزم در جزم شرط است. یعنی آن‌گاه که خداوند جزم قطعی در شرط دارد و می‌خواهد اطمینان مطلق را نسبت به مخاطب

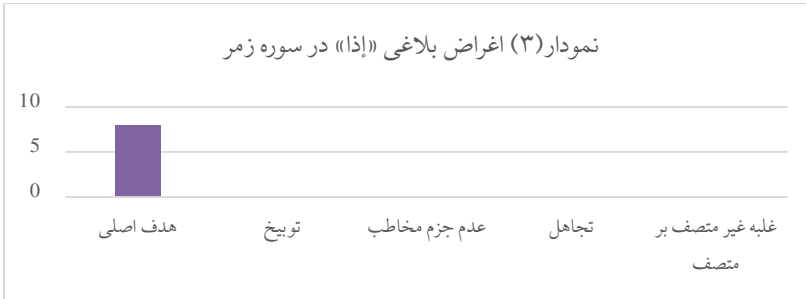
بیان کند از حرف «إذا» در معنای اصلی خود استفاده کرده تا نشان دهد هیچ‌گونه جای شبهه در شرط موجود وجود ندارد. به عنوان مثال در آیات ۷۳ و ۷۱ این سوره گشوده شدن درهای جهنم و بهشت امری بدیهی و یقینی است و دلیلی برای استعمال «إن» در جایگاه «إذا» وجود ندارد، زیرا در این صورت ممکن بود شکی در این مورد پیش می‌آمد و قرآن (نعوذ بالله) دچار تحریف می‌شد.

جدول (۲) شروط «إذا» در سوره زمر به تفکیک اجزاء جمله و اغراض بلاغی

آیه	ح. شرط	جمله شرط	جواب شرط	غرض بلاغی
۸	إذا	مَسَّ الْإِنْسَانَ صُرٌّ	دَعَا رَبَّهُ مُبِيتًا إِلَيْهِ	مطابق با هدف اصلی
۸	إذا	خَوَّلَهُ نِعْمَةً مِنْهُ	نَسِيَ مَا كَانَ يَدْعُو إِلَيْهِ مِنْ قَبْلُ	مطابق با هدف اصلی
۴۵	إذا	ذَكَرَ اللَّهُ وَحْدَهُ	اسْمَأَزَّتْ قُلُوبُ الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ بِالْآخِرَةِ	مطابق با هدف اصلی
۴۵	إذا	ذَكَرَ الَّذِينَ مِنْ دُونِهِ	إِذَا هُمْ يَسْتَبْشِرُونَ	مطابق با هدف اصلی
۴۹	إذا	مَسَّ الْإِنْسَانَ صُرٌّ	دَعَانَا	مطابق با هدف اصلی
۴۹	إذا	خَوَّلَنَاهُ نِعْمَةً مِّنَّا	قَالَ إِنَّمَا أُوتِيتُهُ عَلَىٰ عِلْمٍ بَلْ هِيَ فِتْنَةٌ	مطابق با هدف اصلی
۷۱	إذا	جَاءُوهَا	فُتِحَتْ أَبْوَابُهَا	مطابق با هدف اصلی
۷۳	إذا	جَاءُوهَا	فُتِحَتْ أَبْوَابُهَا	مطابق با هدف اصلی

همان طور که در نمودار (۲) مشاهده می‌شود، حرف شرط «إذا» در سوره زمر مطابق با هدف اصلی سوره و سیاق آیات همگی در معنای اصلی خودش به کار رفته

است تا نشان دهد شروطی را که خداوند قطعیت کامل دارد و بشارت یا انداز صریح است بدون غرض بلاغی و مستقیم می‌فرماید.



در جدول (۳) مشاهده می‌کنیم که نوع فعل کاملاً متناسب با هدف حروف گنجانده شده است تا به اصل معنا برسد. در حرف «إن» اکثر جملات با فعل مضارع است و فعل مضارع بر حدوث دلالت دارد و برعکس در حرف «إذا» اکثر افعال با فعل ماضی آمده تا نشان از اطمینان در وقوع شرط داشته باشد و گویی که شرط انجام شده، با اینکه مضمون آن آینده است.

جدول (۳): نوع جملات شرطی به تفکیک حروف

إذا		إن		حروف
جمله شرط	جواب شرط	جمله شرط	جواب شرط	ارکان
۷	۸	۰	۵	نوع جمله
۰	۰	۶	۲	ماضی
۰	۰	۱	۰	مضارع
۱	۰	۰	۰	اسمیه

نتیجه:

پس از بررسی سوره زمر نتیجه حاصل شده آن بود که حروف شرط «إن» تماماً در اغراض مختلف به کار برده شده بود و حرف شرط «إذا» فقط مطابق با هدف اصلی خود به کار رفته است. این امر به آن علت است که در کلام خداوند هرگز شک راه ندارد، پس مشخص می‌شود کلیه حروف شرط «إن» در سوره زمر برای اغراض زیبایی‌شناسی است و برای تأثیر کلام و استواری آیات قرآن است. همچنین حروف شرط «إذا» به آن علت که حرف شرط یقین است و کلام خداوند نیز متقن است، در کلیه آیات مطابق با هدف اصلی آن یعنی اطمینان در شرط به کار رفته است. از سوی دیگر مشخص شد که پانزده شرط از شروط موجود در سوره زمر (هیجده شرط) با ادات «إن» و «إذا» آمده است.

طبق بررسی آیات مشخص شد که شروط موجود در سوره زمر همگی مطابق با معنای وضعی ادات شرط است، زیرا ادات دیگر شرط برای معانی مختلف زمانی و مکانی و... هستند، اما با توجه هدف سوره زمر از انذار و بشارت شروط آن با «إن» و «إذا» بیان شد.

بیشترین غرض کاربرد «إن» در سوره زمر در اطمینان شرط، برای توییح و سرزنش بود، زیرا شروط خداوند در سوره زمر به آن علت که مربوط به معاد و توحید می‌شد بر یقین استوار است، اما برای سرزنش مخاطبان که همان کفار و مشرکان هستند شرط همراه با «إن» می‌آمد تا این مهم را بگوید که فکر شما باطل است ولو اگر شک هم داشته باشید این شک از مبطلات است. اغراض دیگری مثل تجاهل و عدم جزم مخاطب و غلبه غیر متصف بر متصف نیز در شروط همراه با «إن» وجود داشت تا این معنا را برساند که حتی در کلامی که مخاطب پیامبر (ص) و متکلم خداوند است ولو آنکه هر دو بر جزم شرط عزم دارند، اما از روی ترس از پروردگار همراه با

«إن» بیان شد تا گویی که ندانسته فرض شود و غرض به کار رفته برای «إذا» در سوره زمر فقط همان هدف اصلی آن بود و آن اطمینان از شرط در آینده بود.

در آیاتی که شروط آن همراه با «إن» بیان شد به دلیل آنکه مخاطب اصلی آن کفار و منافقان بودند، شروط همراه با «إن» بیان می‌شد تا نفوذ بیشتری را بر دل آن‌ها بیندازد و استواری این آیات را برساند، اما آیاتی که شروط آن با «إذا» بود غالباً مخاطب انسان و موضوع آن نیز توحید و معاد بود، برای اطمینان و دوری از هرگونه شبهه و شک، آیات با «إذا» شروع می‌شد تا یقین را بر دل انسان‌ها بیندازد.

منابع:

- قرآن کریم
- انصاری، ابن هشام (۲۰۰۱م)، *شذور الذهب فی معرفة کلام العرب*، بیروت: دار احیا التراث العربی.
 - ابن جنی، ابوالفتح عثمان (۱۳۹۲)، *الخصائص*، ج ۱، تحقیق: محمدعلی النجار، قم: ذوی القربی.
 - ابن عاشور، محمدطاهر (۱۹۸۴م)، *تفسیر التحریر والتنویر*، ج ۲۳ و ۲۴، تونس: الدارالتونسیه للنشر.
 - ابناسی، برهان‌الدین (۱۹۸۴م)، *نظم الدرر فی تناسب الآیات و السور*، ج ۱۶، قاهره: دارالکتب الإسلامیه.
 - استرآبادی، رضی‌الدین (۱۹۸۲م)، *شرح الکافیة فی النحو*، ج ۲، بیروت: دارالکتب العلمیه.
 - ایچی (۱۹۹۰م)، *الفوائد الغیاثیه فی علوم البلاغه*، قاهره: دارالکتب المصری.

- بستانی، بطرس (بی‌تا)، *محیط المحيط*، ج ۱، بیروت: مکتبه لبنان.
- بروجردی، مصطفی (۱۳۹۷)، *تفسیر شمس*، ج ۸، قم: بوستان کتاب.

- پاینده، ابوالقاسم (۱۳۹۲)، نهج الفصاحه، ترجمه علی اکبر مظاهری، چ ۳، قم: قدیسان.
- تفتازانی، مسعود بن عمر (۱۳۹۵)، مختصر المعانی، ج ۲، ترجمه حسن عرفان، قم: هجرت.
- العجّارم و مصطفی امین (۱۳۹۲)، البلاغة الواضحة، ترجمه ابراهیم اقبالی، چ ۱، تهران: فرهنگ نما
- جرجانی، عبدالقاهر (۱۴۰۸)، شرح الجمل فی النحو، تحقیق: خدیجه محمدحسین، مکه المکرمه: دانشگاه أم القرى.
- _____ (۱۹۶۱م)، دلائل الإعجاز، تحقیق: الشیخ محمد عبده و دیگران، قاهره: مكتبة القاهرة.
- جمالی، مصطفی (۱۳۹۶)، نقد مکاتب ادبی (محقق رضی)، ج ۴، قم: دارالعلم.
- _____ (۱۳۹۶)، نقد مکاتب ادبی (ابن هشام)، ج ۵، قم: دارالعلم.
- حسن، عباس (۱۳۸۰)، النحو الوافی، ج ۱، چ ۲، مصر: دارالمعارف.
- حسینی طهرانی، سید هاشم (۱۳۹۹)، علوم العربیه؛ علم نحو، ج ۳، قم: دار زین العابدین.
- حمصی، محمدطاهر (۲۰۰۳م)، من نحو المبانی إلى نحو المعانی، دمشق: دارسعد الدین.
- حمیده، مصطفی (۱۳۹۴)، نظام جمله در زبان عربی، ترجمه عدنان طهماسبی و دیگران، تهران: جهاد دانشگاهی.
- درویش، محی الدین (۱۳۹۳ش)، إعراب قرآن کریم و بیانه، ج ۶، چ ۲، قم: ذوی القربی.

- دسوقی، محمد بن عرفه (۲۰۰۹م)، حاشیه الدسوقی علی مغنی اللیب عن کتب الأعاریب، ج ۱، بیروت: دار و مكتبة الهلال.
- _____، (۱۴۲۸)، حاشیه الدسوقی علی مختصر السعد، ج ۲، بیروت: مكتبة العصرية.
- دقیق عاملی، معین (۱۳۹۷)، دروس فی البلاغه، ترجمه سیدحسین مداری، قم: عالمه.
- رضایی، محمدعلی و دیگران (۱۳۹۱ش)، تفسیر قرآن مهر، ج ۸، قم: دارالعلم.
- زركشی، محمد بن عبدالله (۱۹۹۰م)، البرهان فی علوم القرآن، ج ۲، بیروت: دارالمعرفه.
- زمخشری، محمود بن عمر بن محمد (۱۳۹۱)، تفسیر کشاف، جلد ۴، ترجمه: مسعود انصاری، ج ۲، تهران: ققنوس.
- سامرائی، محمدفاضل صالح (۱۴۳۴)، معانی النحو، ج ۴ و ۱، بیروت: مؤسسه التاريخ العربی.
- سكاكى، يوسف بن ابی بكر (۱۹۸۲)، مفتاح العلوم، بغداد: دار الرساله.
- سید قطب (۱۹۷۲م)، فی ظلال القرآن، ج ۵، قاهره: دالشروق.
- سیوطی، جلال الدین (۱۹۵۱)، الإیتقان فی علوم القرآن، ج ۳، مصر: دار المصطفی البابى الحلبي.
- شرباصی، أحمد (۱۳۹۴)، دایرة المعارف اخلاق قرآنی، ج ۱، ترجمه محمد بهاء الدین حسینی، سندنج: زانست.
- صالح جمال، رباب (۱۴۲۶)، «إن و إذا و لمّا در سیاقات خیر و شر در قرآن کریم»، مجله دانشگاه أم القرى، ج ۱، ش ۱، ص ۹۱-۱۰۲.

- طباطبائي، محمد حسين (١٣٦٣)، الميزان في تفسير القرآن، ج ١٧، ترجمه: سيد محمد باقر موسوي همداني، تهران: بنياد علمي و فكري علامه طباطبائي.
- عمادي، أبي سعود محمد بن محمد (١٩٢٨م)، إرشاد العقل السليم إلى مزايا القرآن الكريم، ج ٧، قاهره: مكتبة الحسينية المصرية.
- فوده، علي (١٩٧٥م)، «شرط به «إن» و «إذا» در قرآن كريم»، مجله دانشگاه بغداد، ص ٤٨-٤٣.
- مبرد، أبي عباس محمد بن يزيد (١٣٨٦)، المقتضب، تحقيق: محمد عبد الخالق عظيمه، قاهره.
- متقي زاده، عيسى و محمد كبرى (١٤٣٥م)، «الجملة الشرطية في اللغة العربية و مكانتها من سائر الجمل، مجله اللغة العربية و آدابها»، مجله دانشگاه تهران پردیس فارابی، ص ٤٤-٤٧.
- مغنيه، محمد جواد (١٣٩٧)، تفسير كاشف، ج ٦، ترجمه محمد دانش، چ ٤، قم: بوستان كتاب.
- هاشمی، أحمد (١٣٩٢)، جواهر البلاغه، چ ٦، تهران: الهام.
- _____، (١٣٩٤)، ترجمه و شرح جواهر البلاغه، ترجمه حسن عرفان، چ ١٨، قم: بلاغت.

